

شناسایی و سنجش عوامل مؤثر بر سیر تحولات روستا به شهر در پهنه‌های اقلیمی متفاوت (مطالعه موردی: استان خوزستان)

هادی رضایی راد*، لیلا سمالی بابا احمدی**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۳/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۶/۱۲

چکیده

اشکال سکونتگاه‌های انسانی در ادوار مختلف تاریخی تحت تأثیر عوامل مختلف، همواره در حال تغییر بوده‌اند. یکی از مهم‌ترین این تغییرات، که در دهه‌های گذشته در کشور ایران به صورت ملموس قابل مشاهده بوده، تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر است. در این تغییر شکل سکونتگاهی، همواره عوامل مختلفی دخیل بوده‌اند. بسترهای متفاوت جغرافیایی و بویژه اقلیم، این عوامل را تحت تأثیر قرار داده و درجه اهمیت آن‌ها تابعی از شرایط متفاوت محیطی و جغرافیایی بوده است. هدف از این پژوهش شناسایی و ارزیابی عوامل اثرگذار مختلف در تبدیل روستاها به شهر در اقلیم‌های متفاوت استان خوزستان است. در همین راستا سعی بر آن بوده تا عوامل مؤثر بر روستاهایی که در سه پهنه‌بندی دشت، کوهپایه و ساحلی استان خوزستان واقع شده‌اند و به‌مرور زمان به شهر تبدیل گشته‌اند مورد شناسایی قرار گرفته و میزان نقش هر یک از این عوامل در هر یک از این سه پهنه مورد سنجش کمی قرار گیرد. جهت دستیابی به هدف پژوهش از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از روش پیمایشی استفاده شده است. تحلیل داده‌ها با نرم افزار SPSS و روش تحلیل عاملی (Factor Analysis) و ترسیم نقشه‌ها نیز با نرم افزار ArcGIS Desktop 10.3 انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که بجز عامل زیرساختی-نهادی که در هر چهار پهنه اقلیمی به عنوان عاملی که بیشترین تأثیر را در تبدیل روستا به شهر داشته و نیز به عنوان مهم‌ترین عامل در تبدیل در روستا شناسایی شده است، چهار عامل دیگر (اقتصادی، خدمات آموزشی-فرهنگی، خدمات خصوصی، خدمات اجتماعی) در پهنه‌های اقلیمی متفاوت، تأثیرات متفاوتی داشته و میزان اثرگذاری آن‌ها نیز با توجه به بار عاملی شاخص‌ها متفاوت بوده است. نتایج به‌دست‌آمده می‌تواند در آمایش آتی استان و سکونتگاه‌های آن مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی

روستا-شهر، عوامل مؤثر در تبدیل روستا به شهر، پهنه‌های اقلیمی، تحلیل عاملی، استان خوزستان

* استادیار گروه مهندسی شهرسازی، دانشگاه بوعلی سینا. h.rezaeirad@basu.ac.ir

** کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان. le.babaahmadi@gmail.com

مقدمه

سکونتگاه‌های انسانی در یک تقسیم‌بندی بسیار ساده و در عین حال کاربردی به سکونتگاه‌های روستایی و شهری تقسیم‌بندی می‌شود روستا اولین شکل از حیات جمعی انسان در یک عرصه طبیعی است که از ویژگی‌های متعدد طبیعی و محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی کالبدی برخوردار است. تعریف مشخص و دقیق از روستا با تحول زمانی و دگرگونی مباحث اجتماعی با تغییر و دگرگونی روبرو بوده است. بسیاری از سکونتگاه‌های روستایی که با جریان اسکان جمعیت مهاجر در آن و افزایش کارکردها مواجه می‌شوند، پس از طی یک دوره انتقالی ظهور کارکردهای اقتصادی و سیاسی شکل‌گیری چهره شهری در بعد کالبدی و خدمات زیر بنایی، در نهایت با تأیید قانون به عنوان شهر شناخته می‌شوند؛ اما نکته مهم این است که همه سکونتگاه‌های روستایی را در این ویژگی به صورت یکسان فرایند تبدیل به شهر را طی می‌نماید و یا این فرایند را در یک سازمان مشخص طی نمی‌کنند. در چند دهه گذشته ایجاد و نیز تقویت و بهبود تعامل‌های روستایی- شهری به عنوان یکی از ابزارهای توسعه هماهنگ و متعادل سکونتگاه‌های روستایی و شهری همواره مورد تأکید پژوهشگران و برنامه ریزان و سیاست‌گذاران بوده است (ژیوهویی و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۱). ایجاد و تقویت تعامل‌های روستایی- شهری مستلزم وجود شبکه‌های شهری و سازمان‌یافته مناسب و کارآمد بارده‌های مختلف سلسله مراتبی در سطح زمین است. از این رو ایجاد و تقویت و توسعه شهرهای کوچک در عرصه‌های روستایی از راهکارهای مؤثر در این زمینه برشمرده است. در دو دهه گذشته ایجاد و شکل‌گیری شهرهای کوچک در نواحی روستایی کشور به دلیل تغییر در قوانین تقسیمات کشوری به شدت رو به افزایش بوده و عملاً موجب شکل‌گیری تعداد بسیار زیادی از شهرهای کوچک و روستا- شهر در پهنه سرزمین شده است در میان استان‌های کشور خوزستان از جمله استان‌هایی است که بیشترین تعداد این گونه تبدیل‌ها را در دو دهه گذشته مواجه بوده است (اگری و ماینا، ۲۰۱۰). گسترش روزافزون شکل‌گیری شهرهای جدید (تبدیل روستا به شهر) در سال‌های اخیر روندی شتابان به خود گرفته است بر اساس داده‌های آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۹۰، در بررسی تغییرات جمعیت روستایی کشور طی یک دوره ۵۰ ساله نشان می‌دهد که نسبت جمعیت روستایی به کل جمعیت کشور از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ سیر نزولی داشته و از ۶۸۶ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۳۱۴ درصد در سال ۱۳۸۵ و ۲۹ درصد در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است (مرکز آمار ایران سال، ۱۳۹۰). مهم‌ترین عامل در برپایی و پراکندگی فضایی سکونت گاه‌های انسانی را می‌توان عوامل محیط طبیعی شامل ساختار زمین و اشکال ناهمواری، ویژگی‌های اقلیمی و نحوه دسترسی به منابع آب و خاک دانست. امری که سکونتگاه‌های انسانی بیش از هر چیز از آن تأثیر می‌پذیرند. با دیدن هر شهر و روستا می‌توان در جستجوی یکی از عوامل مساعد محیطی بود. پس از عوامل محیطی می‌توان به عوامل اجتماعی و اقتصادی و سرانجام به عوامل سیاسی نیز اشاره نمود که در ادامه نقش هر کدام به‌طور جداگانه تشریح می‌شود. ذکر این نکته اهمیت اساسی دارد که عوامل مؤثر در برپایی سکونتگاه‌های روستایی و شهری از آنجایی که باعث توسعه و محدودیت در گسترش شهرها و روستا می‌گردند، به مسئله تبدیل روستا به شهر ارتباط پیدا می‌کند. به عبارت دیگر در بسیاری مناطق، وجود توانمندی‌ها در زمینه این عوامل به‌ویژه عوامل طبیعی، باعث ارتقاء سکونتگاه‌های روستایی به شهری می‌گردند؛ و برعکس در بسیاری موارد هم هر جا محدودیت محیطی از جمله اقلیمی وجود داشته است، توسعه سکونتگاه حتی نتوانسته است در حد سکونتگاه روستایی توسعه پیدا کند و در برخی باعث حتی جریان معکوس توسعه یعنی تخلیه و متروکه شدن سکونتگاه روستایی نیز شده است چه برسد به ارتقاء و تبدیل آن به سکونتگاه شهری. در این تحقیق سعی بر این است که عوامل مؤثر بر روستاهایی که در سه پهنه‌بندی دشت، کوهپایه و ساحلی قرار داشته‌اند و به مرور زمان به شهر تبدیل شده‌اند مورد شناسایی قرار گرفته و میزان نقش هر یک از این عوامل در هر یک از این سه پهنه مورد سنجش قرار گیرد. در واقع پژوهش حاضر در پی پاسخ دادن به دو سوال زیر است:

۱. شناسایی عوامل مؤثر در سیر تحول روستا به شهر در اقلیم‌های متفاوت استان خوزستان
۲. سنجش میزان اثرات عوامل مؤثر در سیر تحول در چهار اقلیم متفاوت استان خوزستان

مبانی نظری

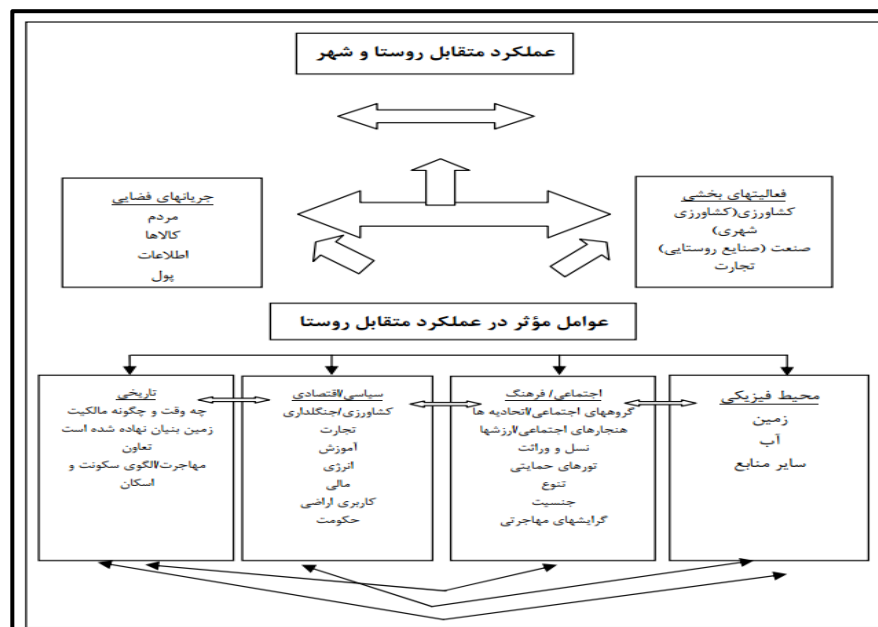
روستا: برای اولین بار در قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۳۴۰/۱۰/۱۹ روستا در نظام حقوقی ایران چنین تعریف شد: ده یا قریه عبارت از: یک مرکز جمعیت و محل سکونت تعدادی خانوار که در اراضی آن ده به عملیات کشاورزی اشتغال داشته و درآمد اکثریت آنان از طریق کشاورزی حاصل گردد و عرفاً در محل ده یا قریه شناخته می‌شود (مهندسین مشاور هامون پاد، ۱۳۷۲، ۳۲).

شهر: منظور از شهر، منطقه جغرافیایی است که دارای جمعیت مشخص بوده و تراکم جمعیت در آن وجود داشته و افراد در آن بر امور غیر کشاورزی اشتغال داشته باشند و نیز دارای شهرداری باشد. نقاط شهری معمولاً ارتباط و آشنایی فراوانی با ارزش‌های مادی جدید، شیوه‌های جدید زندگی و نظایر آن‌ها دارند. به عبارت دیگر نقاط شهری به خاطر ویژگی‌های مربوط به پویایی خود به‌عنوان جامعه‌ای باز همواره شاهد تحولاتی ارزشی- فرهنگی و دگرگونی در نظام هنجاری خود است. از این رو، مشاهده کردن ارزش‌های فرهنگی جدید در نقاط شهری از دیدگاه جامعه‌شناسان شهری یک جریان مادی است. یعنی از نقاط شهری نمی‌توان انتظار ایستایی فرهنگی را داشت (شیخی، ۱۳۸۰، ۳۶-۲۰).

ملاک‌های شناخت شهر از روستا و وجوه تمایز آنها

امروزه برای شناخت شهر از روستا، بر پاره‌ای ملاک‌ها بیشتر تأکید می‌شود که عبارت‌اند از:

- * ابعاد اکولوژیک، در حوزه‌های روستایی، کاربری زمین بیشتر بخش کشاورزی را در برمی‌گیرد. وسعت سکونتگاه‌ها محدود و تراکم جمعیت بسیار کم است. جامعه روستایی به انزوا گزینی خاصی پناه می‌برد و خود را از بخش‌های دیگر جامعه کنار می‌کشد؛
- * شرایط شغلی؛ اقتصاد حوزه‌های روستایی بیشتر به فعالیت‌های بخش اول، مانند کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری وابسته است؛
- * ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی؛ در جامعه روستایی برخوردها چهره به چهره است و همه خانواده‌ها دارای ارزش‌های مشترک فرهنگی پایداری هستند؛ البته ممکن است به تدریج بخشی از ارزش‌های سنتی روستاها در نتیجه نفوذ فرهنگ شهری تضعیف شود (شکویی، ۱۳۸۲، ۶۷).



شکل ۱- چارچوب تحلیلی بر مطالعه عملکرد متقابل شهر و روستا

(اوکلی و همکاران^۱، ۲۰۰۱: ۸-۱)

گرایش معطوف به شهر

حکومت‌های جهان سوم به‌استثنای تعداد معدودی، به ضرر روستاها و به سود شهرها گام برمی‌دارند. مایکل لیپتون به‌عنوان تحلیل‌گر ارتباط شهر و روستا در کشورهای درحال توسعه معتقد است بخش روستایی بیشترین فقر و بالاترین منابع ارزان بالقوه و پیشرفت را در اختیار دارد. درحالی‌که بخش شهری قادر شده است که در اکثر برخوردهای خود با روستاییان پیروز شود؛ اما در این راه فرآیند توسعه را بی‌جهت کند و نابرابر کرده است. در تخصیص منابع بین شهر و روستا بیشتر اولویت‌های شهری مدنظر است و نه رعایت عدالت اجتماعی یا کار آیی. اختلاف بین رفاه روستایی و شهری در کشورهای فقیر کنونی بسیار بیشتر است از آنچه که در کشورهای غنی در مراحل اولیه توسعه آن‌ها حاکم بود. این شکاف عظیم به‌طور مستدل ناکارآمد و به همان اندازه غیرمنصفانه است (محمدپورلیما و همکاران، ۱۳۹۱، ۶۴).

جدول ۱- عوامل و نیروهای موثر در برپایی سکونتگاه‌های انسانی

منبع	متغیرها	گویه ها و عوامل
سعیدی (۱۳۸۸) رحمانی فضلی و پریشان (۱۳۸۸)	- تهیه مواد اولیه مورد نیاز در کشاورزی، - خرید وسایل و تجهیزات کشاورزی، - خرید وسایل منزل، - دریافت خدماتی چون چاپ و ظهور عکس - دریافت خدماتی چون پرینت، کپی، تعمیر وسایل و تجهیزات کشاورزی، - مراجعه مردم برای دریافت خدمات مربوط دادگاه رسیدگی به شکایات و پاسگاه، - زمینه‌های مناسب برای توسعه فعالیت‌های غیر کشاورزی، - مراجعه قشر تحصیل کرده جهت استفاده از مجلات، روزنامه‌ها و کتابخانه‌های عمومی	خدمات خصوصی
	- تبدیل زمین‌های کشاورزی به دیگر فعالیت‌ها، - نزدیکی به شهر اهواز، - مراجعه مردم برای گذراندن اوقات فراغت و استفاده از امکانات تفریحی، - وجود زیرساخت لازم مانند شبکه‌های ارتباطی جهت رونق فعالیت‌های اقتصادی، - افزایش قیمت و اجاره‌بهای زمین‌های کشاورزی، - مراجعه مردم برای دریافت خدمات بهداشتی و درمانی	زیرساخت
	- تأمین نیازهای مرتبط با بخش کشاورزی، - مهاجرت مردم سایر روستاها و شهرها جهت اشتغال، - خرید مواد اولیه مورد نیاز، - وجود فرصت‌های شغلی در زمینه‌های گوناگون، - دریافت خدمات، خرید مایحتاج روزانه، - آب و هوای منطقه	خدمات اقتصادی
	- مراجعه دانش آموزان دختر جهت تحصیل در مراکز شبانه‌روزی، - مراجعه دانش آموزان پسر جهت استفاده و تحصیل در مراکز فنی و حرفه‌ای، - مراجعه جوانان جهت استفاده از امکانات ورزشی، - خرید وسایل نقلیه و وجود مراکز دانشگاهی در این منطقه	خدمات آموزشی - فرهنگی
	- فروش محصولات دامی و لبنی، - خرید کالاهای نیمه بادوام، - فراهم بودن توسعه فعالیت‌های صنعتی در این شهر، - تعمیر وسایل نقلیه - خرید کالا	عامل ترکیبی

منبع: (ساتیشینو و هوشینو، ۲۰۰۱)

مروری بر نظریه‌های مرتبط با سازمان فضایی و توسعه منطقه‌ای

رویکرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی^۱

رویکرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی در دهه ۱۹۸۰ توسط دنیس راندینلی^۲ با الهام از نقاط اساسی و مثبت نظریات مهم توسعه منطقه‌ای، ارائه شده که تأکید آن بر استفاده از کارکردها و عملکردهای شهری در توسعه مناطق روستایی است (رضوانی، ۱۳۸۲، ۳۶). پایه نظری تئوریک این رویکرد بر این مبناست که هدف کارایی مکانی کارکردهای شهری را با اهداف جامع‌تر بهبود سلسله‌مراتب مکان مرکزی متعادل ترکیب کند. در رویکرد مذکور فرض بر این است که شهرک‌ها و شهرهایی که به‌عنوان بازارهای کشاورزی فعالیت دارند به جهت اینکه خدمات اجتماعی و اساسی و امکانات عمومی را برای جمعیت روستایی فراهم می‌آورند و به‌واسطه پیوند و ارتباطی که با یکدیگر و با نواحی روستایی اطرافشان دارند، می‌توانند مبنای فیزیکی شبکه اسکلت‌بندی شده، در جهت توسعه منطقه‌ای قرار گیرند (رکن‌الدین افتخاری و دیگران، ۱۳۸۰، ۳۸). در واقع راندینلی در امر توسعه، نظریه خود را بر مبنای عدم تمرکز سرمایه‌گذارها در سکونتگاه‌های انسانی با تأکید بر محور شهری در تأمین حداقل شرایط برای مردم روستایی قرار می‌دهد که آنها را قادر می‌سازد تا جوامع روستایی خود را به توسعه اجتماعی - اقتصادی برسانند. وی در نظریه خود بر مفهوم برخورد وابستگیها بین حوزه‌های روستایی با شهرهای کوچک و بین شهرهای کوچک با شهرهای بزرگ تأکید می‌ورزد و این تعادل فضایی، اجتماعی، اقتصادی را پایگاه اصلی در امر توسعه می‌شناسد (شکویی، ۱۳۹۲، ۳۱۵).

نظریه اگروپلیتن یا منظومه کشت - شهری (توسعه روستا شهری)

نظریه اگروپلیتن متأثر از نظریه‌های مرکز - پیرامونی، قطب رشد و نیازهای پایه است. فریدمن و ویبور از صاحب‌نظران این راهبرد هستند که به خوداتکایی که نقطه مقابل وابستگی است و بهبود حیات سرزمینی و ایجاد واحدهای فرهنگی و اقتصادی که مبتنی بر تعاون و خودیاری است اهمیت می‌دهند (از کیا، ۱۳۹۲، ۳۱). این نظریه بر سه محور استوار است: الف) همکاری و خودیاری داوطلبانه ب) جماعات روستایی ج) توسعه غیرمتمرکز. ناحیه اگروپلیتن ناحیه‌ای است که در آن کشاورزی فعالیت اصلی و به‌صورت خودمختار و خودگردان اداره می‌شود و برنامه‌ریزی‌ها، انتخابات و سایر امور به‌وسیله خود مردم صورت می‌گیرد. روش اگروپلیتن مبتنی بر یک ناحیه فرهنگی است. افرادی که در این اجتماعات روستایی زندگی می‌کنند از نظر فرهنگی همگونی دارند و جهت رسیدن به یک هدف مشترک بسیج می‌شوند. این نظریه، تجسم ایجاد شهرها در پهنه مزارع بوده، یعنی روستا شهرهایی که پاره‌ای از عناصر کلیدی شهر گرایی را در نواحی کوچک و پرتراکم روستایی، در خود داشته باشند (پنگ و همکاران، ۲۰۱۵). ناحیه روستا شهری به‌صورت واحدی مناسب برای طراحی یک برنامه توسعه آمایشی از طریق برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری نامتمرکز است. نظریه فریدمن به‌عنوان راهبرد توسعه جایگزین در قبال نظریه قطب‌های رشد برای کشورهای آسیایی ارائه شده است. همچنین می‌توانیم توسعه روستا شهری را توسعه‌ای غیرمتمرکز (از بالا به پایین)، متکی بر محور کشاورزی و با اتکا به نواحی روستایی و یا به‌عبارتی دیگر روستا پایه بدانیم. آن‌طور که فریدمن اشاره می‌کند در توسعه بر مبنای بخش‌های اگروپلیتن باید سعی شود که گونه‌گونی اقتصاد داخلی، هدفی برای حداکثر توسعه صنایع فیزیکی باشد و پیشرفت باید آموزش اجتماعی و وسعت بازارهای ناحیه‌ای را افزایش دهد. این نظریه یکی از استراتژی‌های است که ممکن است اهداف روستانشینی نامیده شود، هرچند موضوعات آن جایگزینی برای تمایلات اخیر به‌طرف شهرنشینی و تمرکز صنعتی در جهان سوم است این فرضیه بازگشت به حال نخست کار زراعتی و تقویت اقتصاد روستایی، نوع زندگی روستایی و ارزش‌های روستایی را مدنظر دارد (فریدمن و همکاران، ۱۹۸۵، ۱۵).

نظریه تعادل فضایی

این نظریه که برای زمان و چشم‌اندازهای تاریخی اهمیت قائل می‌باشد در پی آن است که درباره انتشار سکونتگاه از نخستین نطفه مهاجرت نواحی مستعمراتی تحقیق کند. بی‌لوند سعی کرده است در یک چارچوب، شش نوع فرضیه پخش سکونتگاه را تعیین کند. او مطالعه‌اش را روی مستعمرات جدید در لاپلند پایه نهاد. البته فرضیه تحقیق موریل برای الگوی عمومی سکونتگاه مناسب است نه محاسبه دقیق محل آنها. مدل بکار گرفته شده از نوع مونت کارلو است. در این مدل یک مجموعه از احتمالات که هم به انسان و هم به شرایط طبیعی مربوط است، شرح داده شده است (پاپلی یزدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۰۱). در توضیح اصالت چنین الگوهای باید به چهار عامل اصلی اشاره کرد:

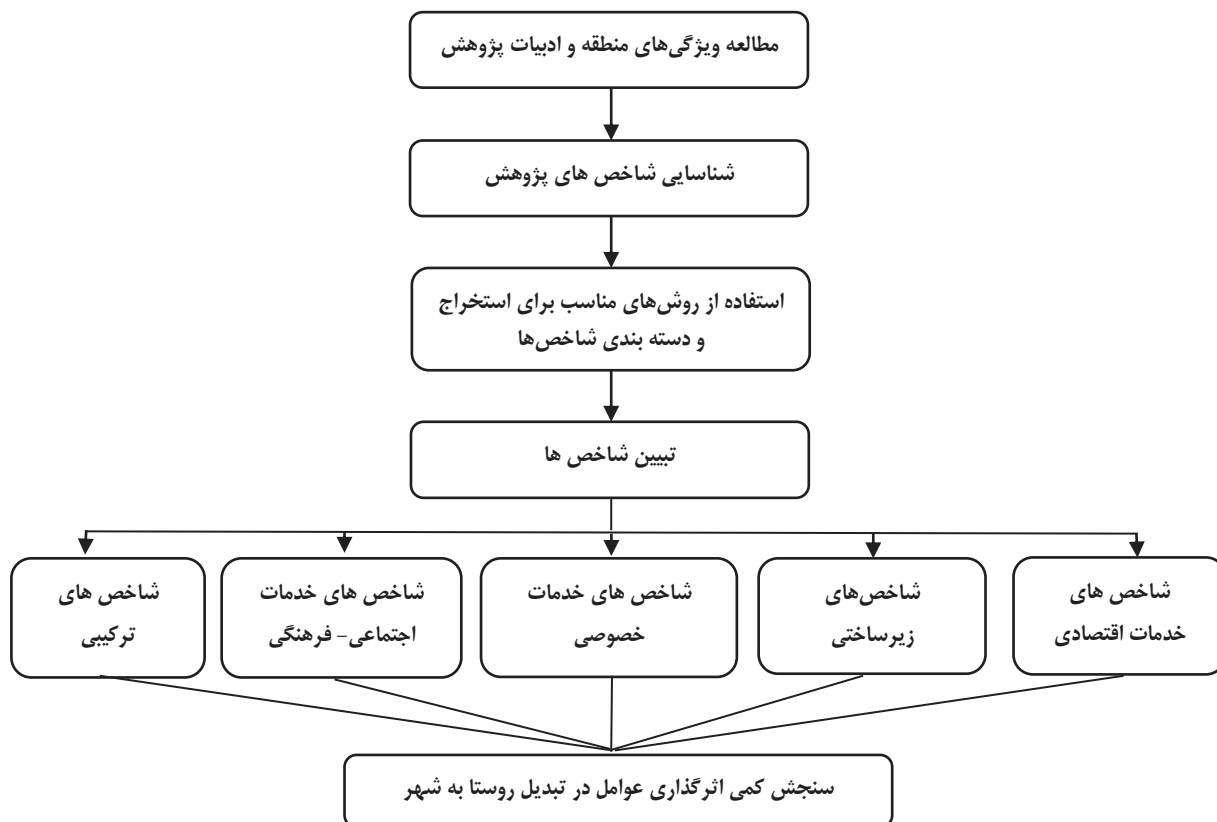
۱- Urban Functions in Rural Development -

Rondinelli, D. -۲

Peng, Niu Xiang, Wang Bing & Zheng, Yunlong -۳

Freedman and et al -۴

- شرایط اقتصادی و اجتماعی که تمرکز فعالیتهای اقتصادی را در شهرها تقویت می کند
 - شرایط جغرافیایی یا فضایی که در اندازه و توزیع شهرها مؤثرند
 - این حقیقت که مکان چنین توسعه ای را بتدریج می پذیرد
 - شناسایی عنصری نامعلوم از همه رفتارها
- در حالی که دو عامل اول، ملاحظاتی روشن در طبقه بندی تئوریهای تعادل فضایی هستند، دو مورد بعدی متمایل به تئوری پخش هستند (پاشن^۱، ۱۹۸۵: ۴۶).



نمودار ۱- مدل مفهومی تحقیق منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع روش توصیفی- تحلیلی است. جامعه آماری این تحقیق شامل روستاهای تبدیل شده به شهر در استان خوزستان طی دوره ۹۰-۱۳۷۶ است. در دوره مورد بررسی در ۱۹ شهرستان استان خوزستان تعداد ۳۵ روستا تبدیل به شهر شده اند که براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ تعداد ۲۵۲۵۸۲ نفر جمعیت داشته اند. با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر در تبدیل روستا به شهر در پهنه های اقلیمی متفاوت است، تعیین حجم نمونه نیز بر اساس مجموع جمعیت روستاهای تبدیل شده به شهر در این پهنه های اقلیمی صورت گرفته است. برای تعیین حجم نمونه از روش کوکران استفاده شده است که شامل ۳۸۴ پرسشنامه می باشد. روش گردآوری اطلاعات به صورت مطالعات کتابخانه ای و اسنادی و مطالعات پیمایشی استفاده شده است. همچنین برای تکمیل پرسشنامه در پهنه های اقلیمی متفاوت، از روش نمونه گیری تصادفی استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده های پژوهش با استفاده از نرم های SPSS، روش تحلیل عاملی و نرم افزار ArcGIS Desktop انجام گرفته است. در مرحله اول استان خوزستان با بهره گیری از داده های سازمان هواشناسی کشور و به کارگیری نرم افزار ArcGIS به چند پهنه اقلیمی تقسیم بندی گردید. سپس داده های جمع آوری شده از پرسشنامه در اقلیم های متفاوت، با

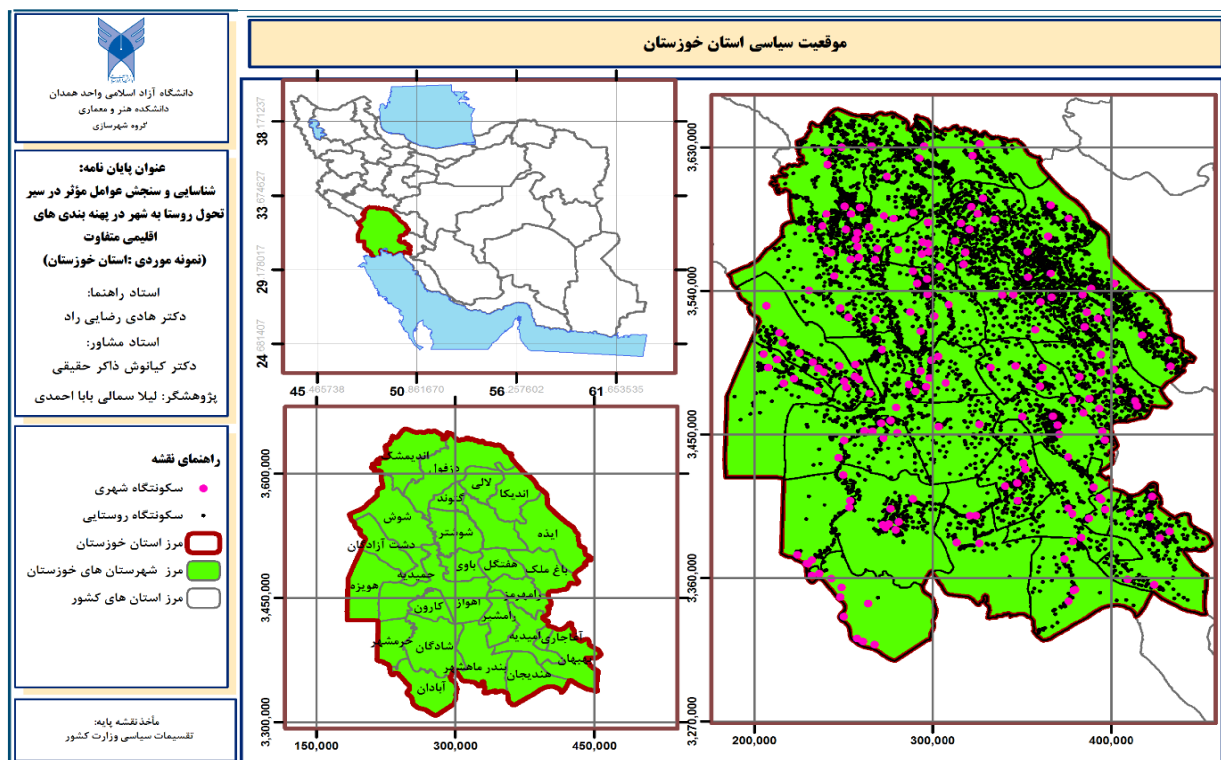
به‌کارگیری نرم‌افزار SPSS و روش تحلیل عاملی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نهایتاً عوامل مؤثر در تبدیل روستا به شهر در هر یک از این اقلیم‌ها شناسایی شدند. تهیه نقشه‌های ویژگی‌های محدوده مورد مطالعه نیز به‌وسیله نرم‌افزار ArcGIS صورت گرفته است. روایی^۱ پرسشنامه از نظرات اساتید راهنما و مشاور و سایر افراد متخصص بهره گرفته شده است و اصلاحات لازم در این زمینه به عمل آمد. پایایی^۲ پرسشنامه نیز از محاسبه یک ضریب همبستگی به نام آلفای کرونباخ استفاده گردید. نتایج به دست آمده حاکی از اعتبار بالای پرسشنامه به‌کاربرده شده را نشان می‌دهد.

جدول ۲- میزان پایایی سوالات پرسشنامه

پایایی تحلیل‌های آماری	
تعداد آیتم‌ها	آلفای کرونباخ
۲۶	۰/۸۲۳

محدوده مورد مطالعه

استان خوزستان با مساحتی حدود ۶۳۶۳۳/۶ کیلومتر مربع، بین ۲۹ درجه و ۵۷ دقیقه تا ۳۳ درجه و ۵۷ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۴۷ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۳ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ در جنوب غربی ایران واقع گردیده و از شمال غربی با استان ایلام، از شمال با استان لرستان، از شمال شرقی و شرق با استان چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد، از جنوب شرقی با استان بوشهر، از جنوب به خلیج فارس محدود و از غرب با کشور عراق هم‌مرز است. خوزستان سرزمین هموار و کم عارضه است. با توجه به اینکه جلگه خوزستان از رسوبات نرم رودخانه‌ای است که از رشته‌کوه زاگرس سرچشمه می‌گیرند، منطقه‌ای حاصلخیز است و به‌عنوان یکی از مراکز عمده تغذیه کشور محسوب می‌شود (سالنامه آماری استان خوزستان، ۱۳۹۰).



نقشه ۱- موقعیت سیاسی منطقه مورد مطالعه منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

ویژگی اقلیمی استان خوزستان

ناحیه سردسیر (کوهستانی): این ناحیه شامل ارتفاعات شمال و شمال شرقی است و متوسط بارندگی در این منطقه بین ۴۵۰ تا ۵۰۰ میلی‌متر بوده و در زمستان نزولات آسمانی به صورت برف است.

ناحیه معتدل یا کوهپایه‌ای: این ناحیه که به صورت نوار نسبتاً باریکی بین دو ناحیه سردسیر و گرم و خشک کشیده شده و بیشتر شامل شهرهای دزفول و شوشتر است که دارای آب‌وهوای خشک و نیمه‌خشک بوده و نزولات جوی بیشتر به صورت باران است.

ناحیه گرم و خشک (بیابانی): این ناحیه شامل جلگه‌های جنوب و جنوب‌غربی خوزستان است که تحت تأثیر جریان‌های اقلیمی، آب‌وهوای آن متغیر است. بر اساس تقسیم‌بندی دومارتن، استان خوزستان از لحاظ تقسیم‌بندی اقلیمی در اقلیم نیمه مرطوب قرار دارد (طرح جامع گردشگری خوزستان، ۱۳۸۷: ۶).

تحلیل داده ها

توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی تحقیق

سن پاسخگویان: از کل حجم نمونه، تعداد ۵۴ نفر یا ۱۴/۱ درصد زیر بیست سال، ۱۰۵ نفر یا ۲۷/۳ درصد بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۱۰۷ نفر یا ۲۷/۹ درصد بین ۳۰ تا ۴۰ سال، ۶۷ نفر یا ۱۷/۴ درصد بین ۴۰ تا ۵۰ سال، ۵۱ نفر یا ۱۴/۳ درصد بالای ۵۰ سال داشتند. جنس پاسخگویان: از کل نمونه تحقیق، ۱۷۹ نفر (۴۶/۶) درصد زنان و ۲۰۰ نفر (۵۲/۱) را مردان تشکیل داده‌اند. ارزیابی وضعیت تحصیلات: پاسخگویان در پنج رده بی‌سواد، دیپلم و زیر دیپلم، فوق‌دیپلم، لیسانس، فوق‌لیسانس و بالاتر صورت گرفته است. توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر اساس میزان تحصیلات: از مجموع نمونه مورد مطالعه، ۱۲/۵ درصد افراد بی‌سواد، ۲۸/۱ درصد افراد دیپلم و زیر دیپلم، ۲۱/۴ درصد افراد فوق‌دیپلم، ۲۵ درصد لیسانس و ۱۳ درصد پرسش‌شوندگان دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر بوده‌اند. وضعیت شغلی: وضعیت شغلی پاسخگویان در ۵ طبقه در حال تحصیل، آزاد، دولتی، بیکار و بازنشسته مورد ارزیابی قرار گرفته است که از کل تعداد پاسخگویان ۱۵/۶ درصد بیکار، ۲۹/۴ درصد دارای شغل آزاد، ۲۷/۹ درصد دارای شغل دولتی، ۷/۶ درصد بازنشسته و ۱۹/۵ درصد مشغول به تحصیل بودند.

توزیع درصدی پرسشنامه

با توجه به اقلیم مختلف، پرسشنامه‌های تهیه شده مابین افراد و گروه‌های مختلف به شرح فوق در اقلیم مختلف تعداد ۴۰۰ پرسشنامه توزیع شد. بر این اساس تعداد پرسشنامه‌های صحیح و قابل استنتاج ۳۸۴ عدد بود که از این تعداد ۹۸ پرسش نامه مربوط به اقلیم فراخشک و ۹۵ پرسشنامه مربوط به اقلیم نیمه مرطوب و نیز تعداد پرسشنامه‌های صحیح اقلیم‌های خشک و نیمه خشک به ترتیب برابر با ۹۵ عدد و ۹۶ عدد بوده است.

جدول ۳- تعداد و درصد پرسشنامه‌های توزیع شده

اقلیم	تعداد پرسشنامه	درصد از کل
اقلیم فراخشک	۹۸	۲۵/۴۵
اقلیم نیمه مرطوب	۹۵	۲۴/۶۷
اقلیم خشک	۹۵	۲۴/۶۷
اقلیم نیمه خشک	۹۶	۲۴/۹۳

یافته‌های استنباطی

گویه‌های مورد استفاده در پژوهش

در پژوهش حاضر برای شناسایی عوامل مؤثر در تبدیل روستا به شهر در اقلیم‌های مختلف در استان خوزستان از روش تحلیل عاملی استفاده شد. برای این منظور ۵۱ گویه در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیرساختی، آموزشی وارد مدل تحلیل عاملی شد.

کاهش داده‌ها (Data Reduction): برای دستیابی به نتیجه مطلوب، عامل‌های ۵۱ گانه به ۵ عامل نهایی تقلیل و خلاصه گردید. در تحلیل نتایج به عوامل ۵ گانه اشاره می‌شود که هر عامل متغیرهای متفاوتی داشته و نتایج به ترتیب در عوامل ۵ گانه درج گردید.

شناسایی ساختار (Structure Detection): ساختار زیربنایی مجموعه متغیرها در یک حوزه مفهومی مشخص شناسایی شد. به عبارت دیگر متغیرهای مورد استفاده در تحقیق بر اساس صفات مشترکشان به دو یا چند دسته محدود شد که این دسته‌ها را عامل نامیدیم. پس از آن روابط بین عاملها بدست آمده و در هر عامل نیز روابط بین متغیرهای آن محاسبه شده و در نهایت هدف اصلی تحقیق که روابط بین متغیرهای تحقیق است، محاسبه شدند.

چرخش عوامل: برای اینکه رابطه بین آیتم‌ها و عامل‌ها به حداکثر برسد، باید محورها چرخانده شوند. از طریق چرخش عامل‌ها بهترین ترکیب آیتم‌ها و ساختار عاملی ایجاد می‌شود.

عوامل اصلی: پس از تحلیل عاملی بر روی ۵۱ متغیر مذکور، در هر اقلیم بر اساس امتیاز و رتبه متغیرها، عوامل اصلی دسته بندی گردید. و در هر اقلیم ۵ عاملی که بیشترین رتبه و تاثیر را داشته‌اند در جدول نهایی تحلیل گردید. بدین ترتیب عوامل اصلی پژوهش به عامل خدمات اقتصادی - عوامل زیرساختی - جغرافیایی - خدمات خصوصی - خدمات اجتماعی - خدمات آموزشی - فرهنگی - عوامل زیرساختی - نهادی - ترکیبی. در جدول نهایی تحلیل گردید.

جدول ۴- عوامل اصلی پژوهش

عامل	
۱	خدمات اقتصادی
۲	عوامل زیرساختی - جغرافیایی
۳	خدمات خصوصی
۴	خدمات اجتماعی
۵	خدمات آموزشی - فرهنگی
۶	عوامل زیرساختی - نهادی
۷	ترکیبی

جدول ۵- نتایج تحلیل عوامل حول محور اصلی ۵۱ مؤلفه در اقلیم نیمه مرطوب

عوامل	عنوان	مقدار ویژه	درصد واریانس توضیح داده شده هر عامل	درصد تجمعی کل واریانس
عامل یک	خدمات اقتصادی	۱۵/۶۴	۳۰/۶۷	۳۰/۶۷
عامل دو	زیرساختی - جغرافیایی	۱۴/۷۶	۲۸/۹۴	۵۹/۶۲
عامل سه	خدمات اجتماعی	۱۱/۱۵	۲۱/۸۷	۸۱/۴۹
عامل چهار	خدمات آموزشی - فرهنگی	۳/۴۴	۶/۷۴	۸۸/۲۴
عامل پنج	خدمات آموزشی - فرهنگی	۲/۱۶	۴/۲۵	۹۲/۴۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در اقلیم نیمه مرطوب انجام تحلیل عاملی ۵۱ گویه پژوهش را به ۵ عامل نهایی کاهش داد. همان‌طور که در جدول (۵) ملاحظه می‌شود این ۵ عامل حدود ۹۲/۴۹ درصد واریانس را توضیح می‌دهد. عامل اول ۳۰/۶۷ درصد، عامل دوم ۲۸/۹۴ درصد و عامل سوم ۲۱/۸۷ درصد کل واریانس را محاسبه نموده که نشان‌دهنده تأثیرگذاری زیاد این سه عامل به‌ویژه عامل اول و دوم بر روی مؤلفه‌های پژوهش است.

جدول ۶- نتایج تحلیل عوامل حول محور اصلی ۵۱ مؤلفه در اقلیم نیمه خشک

عوامل	عنوان	مقدار ویژه	درصد واریانس توضیح داده شده هر عامل	درصد تجمعی کل واریانس
عامل یک	خدمات خصوصی	۹/۰۰۸	۱۷/۶۶۲	۱۷/۶۶۲
عامل دو	عوامل زیرساختی_ نهادی	۶/۲۳۴	۱۲/۲۲۴	۲۹/۸۸۶
عامل سه	خدمات آموزشی_ فرهنگی	۵/۲۲۰	۱۰/۲۳۵	۴۰/۱۲۱
عامل چهار	خدمات اقتصادی	۵/۰۹۵	۹/۹۹۰	۵۰/۱۱۰
عامل پنج	ترکیبی	۴/۹۸۹	۹/۷۸۲	۵۹۰/۸۹۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در اقلیم نیمه خشک انجام تحلیل عاملی ۵۱ گویه پژوهش را به ۵ عامل نهایی کاهش داد. همان‌طور که در جدول (۶) ملاحظه می‌شود این ۵ عامل حدود ۵۹/۸۹۳ درصد واریانس را توضیح می‌دهد. عامل اول ۱۷/۶۶۲ درصد، عامل دوم ۱۲/۲۲۴ درصد و عامل سوم ۱۰/۲۳۵ درصد کل واریانس را محاسبه نموده که نشان دهنده تأثیرگذاری زیاد این سه عامل به‌ویژه عامل اول و دوم بر روی مؤلفه‌های پژوهش است.

جدول ۷- نتایج تحلیل عوامل حول محور اصلی ۵۱ مؤلفه در اقلیم خشک

عوامل	عنوان	مقدار ویژه	درصد واریانس توضیح داده شده هر عامل	درصد تجمعی کل واریانس
عامل یک	خدمات اقتصادی	۷/۶۲۵	۱۴/۹۵۰	۱۴/۹۵۰
عامل دو	عوامل زیرساختی_ نهادی	۷/۲۱۵	۱۴/۱۴۷	۲۹/۰۹۷
عامل سه	خدمات خصوصی	۶/۱۸۴	۱۲/۱۲۶	۴۱/۲۲۳
عامل چهار	خدمات آموزشی_ فرهنگی	۵/۳۹۱	۱۰/۵۷۰	۵۱/۷۹۲
عامل پنج	خدمات اجتماعی	۴/۹۰۴	۹/۶۱۵	۶۱/۴۰۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در اقلیم خشک انجام تحلیل عاملی ۵۱ گویه پژوهش را به ۵ عامل نهایی کاهش داد. همان‌طور که در جدول (۷) ملاحظه می‌شود این ۵ عامل حدود ۶۱/۴۰۸ درصد واریانس را توضیح می‌دهد. عامل اول ۱۴/۹۵۰ درصد، عامل دوم ۱۴/۱۴۷ درصد و عامل سوم ۱۲/۱۲۶ درصد کل واریانس را محاسبه نموده که نشان دهنده تأثیرگذاری زیاد این سه عامل به‌ویژه عامل اول و دوم بر روی مؤلفه‌های پژوهش است.

جدول ۸- نتایج تحلیل عوامل حول محور اصلی ۵۱ مؤلفه در اقلیم فرا خشک

عوامل	عنوان	مقدار ویژه	درصد واریانس توضیح داده شده هر عامل	درصد تجمعی کل واریانس
عامل یک	خدمات خصوصی	۱۵/۶۳۳	۳۰/۶۵۳	۳۰/۶۵۳
عامل دو	عوامل زیرساختی_ نهادی	۱۱/۱۳۳	۲۱/۸۲۹	۵۲/۴۸۳
عامل سه	خدمات اقتصادی	۸/۲۶۷	۱۶/۲۴۹	۶۸/۷۳۲
عامل چهار	خدمات آموزشی_ فرهنگی	۶/۶۷۲	۱۳/۰۸۳	۸۱/۸۱۵
عامل پنج	ترکیبی	۳/۹۳۶	۷/۷۱۷	۸۹/۵۳۱

در اقلیم فراخشک انجام تحلیل عاملی ۵۱ گویه پژوهش را به ۵ عامل نهایی کاهش داد. همان‌طور که در جدول (۸) ملاحظه می‌شود این ۵ عامل حدود ۸۹/۵۳ درصد واریانس را توضیح می‌دهد. عامل اول ۳۰/۶۵ درصد، عامل دوم ۲۱/۸۲ درصد و عامل سوم ۱۶/۲۴ درصد کل واریانس را محاسبه نموده که نشان‌دهنده تأثیرگذاری زیاد این سه عامل به‌ویژه عامل اول و دوم بر روی مؤلفه‌های پژوهش است.

بررسی مقایسه اقلیم‌ها و تحلیل عوامل مختلف در تبدیل روستا به شهر

جدول ۹- نتایج تحلیل عوامل حول محور اصلی ۵۱ مؤلفه در اقلیم‌های مختلف

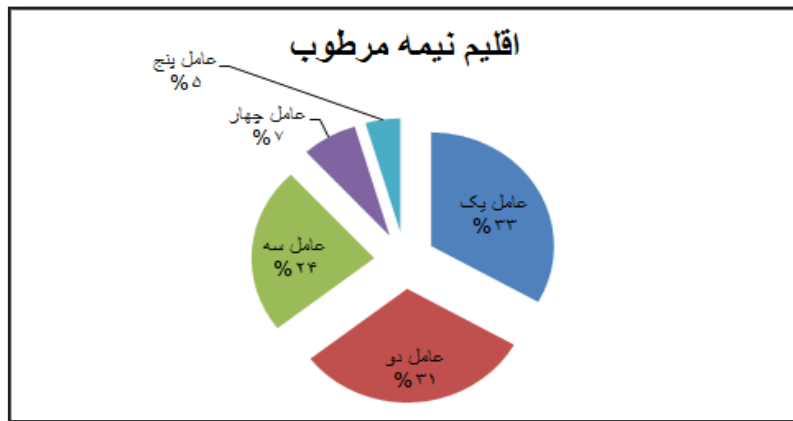
اقلیم	عنوان عوامل	رتبه عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس هر عامل	رتبه واریانس
اقلیم نیمه مرطوب	خدمات اقتصادی	عامل یک	۱۵/۶۴	۳۰/۶۷	۱
	زیرساختی - جغرافیایی	عامل دو	۱۴/۷۶	۲۸/۹۴	۳
	خدمات خصوصی	عامل سه	۱۱/۱۵	۲۱/۸۷	۴
	خدمات اجتماعی	عامل چهار	۳/۴۴	۶/۷۴	۱۹
	خدمات آموزشی - فرهنگی	عامل پنج	۲/۱۶	۴/۲۵	۲۰
اقلیم نیمه خشک	خدمات خصوصی	عامل یک	۹/۰۰۸	۱۷/۶۶۲	۶
	زیرساختی - نهادی	عامل دو	۶/۲۳۴	۱۲/۲۲۴	۱۱
	خدمات آموزشی - فرهنگی	عامل سه	۵/۲۲۰	۱۰/۲۳۵	۱۴
	خدمات اقتصادی	عامل چهار	۵/۰۹۵	۹/۹۹۰	۱۵
	ترکیبی	عامل پنج	۴/۹۸۹	۹/۷۸۲	۱۶
اقلیم خشک	خدمات اقتصادی	عامل یک	۷/۶۲۵	۱۴/۹۵۰	۸
	زیرساختی - نهادی	عامل دو	۷/۲۱۵	۱۴/۱۴۷	۹
	خدمات خصوصی	عامل سه	۶/۱۸۴	۱۲/۱۲۶	۱۲
	خدمات آموزشی - فرهنگی	عامل چهار	۵/۳۹۱	۱۰/۵۷۰	۱۳
	خدمات اجتماعی	عامل پنج	۴/۹۰۴	۹/۶۱۵	۱۷
اقلیم فراخشک	خدمات خصوصی	عامل یک	۱۵/۶۳۳	۳۰/۶۵۳	۲
	زیرساختی - نهادی	عامل دو	۱۱/۱۳۳	۲۱/۸۲۹	۵
	خدمات اقتصادی	عامل سه	۸/۲۸۷	۱۶/۲۴۹	۷
	خدمات آموزشی - فرهنگی	عامل چهار	۶/۶۷۲	۱۳/۰۸۳	۱۰
	ترکیبی	عامل پنج	۳/۹۳۶	۷/۷۱۷	۱۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که از نتایج آزمون تحلیل عاملی مشخص گردید در اقلیم‌های مختلف عوامل مؤثر در تبدیل روستا به شهر به‌صورت متفاوتی اثرگذار بوده‌اند. در جدول (۹) نتیجه مقدار ویژه و درصد واریانس توضیح داده شده هر عامل در اقلیم‌های مختلف درج شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود این عوامل در بعضی اقلیم‌ها نسبت به اقلیم‌های دیگر تأثیر بیشتری داشته. نگاهی مقایسه‌ای به درصد واریانس توضیح داده شده هر عامل در اقلیم‌های مختلف (جدول ۴-۳۸) نشان می‌دهد که در اقلیم‌های مورد بررسی در اقلیم‌های نیمه مرطوب و فراخشک عامل یک هر کدام با نزدیک ۳۰ درصد، بیشترین درصد واریانس را به خود اختصاص داده‌اند. در مرتبه بعدی بیشترین واریانس توضیح داده شده مربوط به عامل دو در اقلیم نیمه مرطوب با نزدیک ۲۹ درصد، عامل سه در اقلیم نیمه مرطوب با ۲۱/۸۷ درصد، عامل دو در اقلیم فراخشک با ۲۱/۸۲ درصد است. به عبارت دیگر، در بین اقلیم‌های مورد بررسی، این عوامل به عنوان تأثیرگذارترین عوامل شناخته شده‌اند. در بین چهار اقلیم محدوده مورد مطالعه، عامل پنج در اقلیم نیمه مرطوب با ۴/۲۵ درصد واریانس، عامل چهار در اقلیم نیمه مرطوب با ۶/۷۴ درصد واریانس، عامل پنج در اقلیم فراخشک با ۷/۷۱ درصد واریانس کمترین میزان درصد واریانس را توضیح می‌دهند. این بدان معناست که این عوامل در این اقلیم‌ها کمترین تأثیرگذاری را در تبدیل روستا به شهر داشته‌اند.

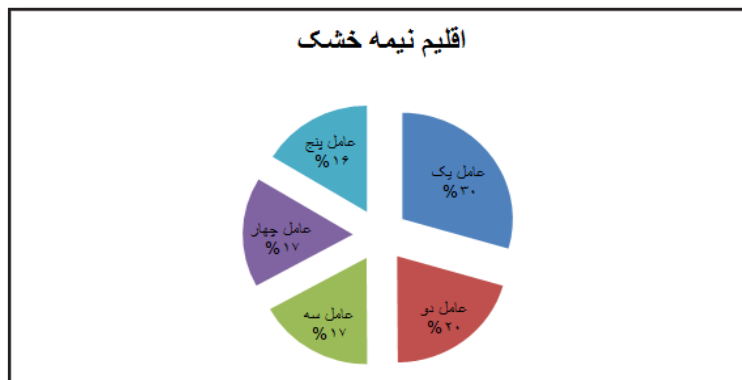
اقلیم نیمه مرطوب: در این اقلیم در تبدیل روستا به شهر عوامل اقتصادی و زیرساختی - جغرافیایی، بیشترین تأثیر را داشته است که می‌توان گفت به دلیل مناسب بودن شرایط آب و هوایی، وجود خاک حاصلخیز و دارا بودن عوامل زیرساختی مناسب زمینه‌ساز جذب بیشتر

جمعیت در این اقلیم گشته و با دارا بودن شرایط مناسب اشتغال با توجه به عوامل عنوان شده (خاک مساعد و آب کافی) زمینه بهبود شرایط اقتصادی ساکنین این اقلیم فراهم گشته است به عبارتی می‌توان گفت: مناسب بودن شرایط زیرساختی- جغرافیایی به همراه عوامل مساعد اقتصادی سبب جذب جمعیت و به دنبال آن زمینه‌ساز تبدیل روستا به شهر گشته و در این زمینه این دو عامل در این اقلیم نقش بیشتری را ایفا نموده‌اند.



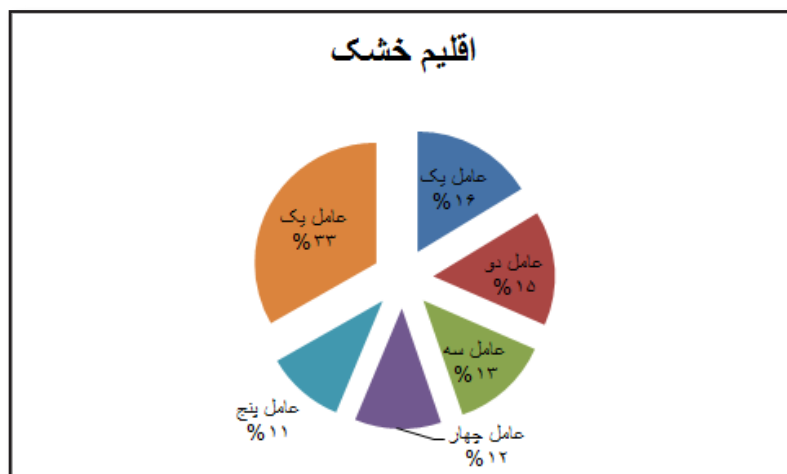
شکل ۲- تاثیر عوامل در اقلیم نیمه مرطوب

اقلیم نیمه خشک: در این اقلیم عوامل خدمات خصوصی و زیرساختی- نهادی نقش مؤثرتری نسبت به سایر عوامل در تبدیل روستا به شهر ایفا نموده‌اند چرا که در مقایسه با اقلیم نیمه مرطوب از لحاظ منابع آبی و خاکی ضعیف‌تر بوده و در نتیجه از لحاظ شرایط اشتغال و اقتصادی از اقلیم نیمه مرطوب ضعیف‌تر عمل کرده و در مقابل برای جذب بیشتر جمعیت در این اقلیم و توزیع متناسب جمعیت فاکتور خدمات خصوصی تقویت گشته و این عامل ضمن جذب جمعیت در ارتقاء شرایط و تبدیل روستا به شهر به همراه عامل زیرساختی- نهادی نقش پررنگ‌تری نسبت به سایر عوامل ایفا نموده است.



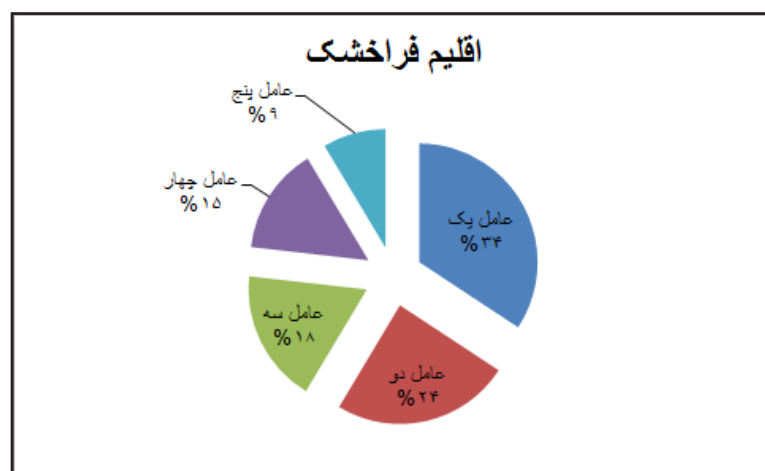
شکل ۳- تاثیر عوامل در اقلیم نیمه خشک

اقلیم خشک: در این اقلیم عامل اقتصادی و زیرساختی- نهادی در تبدیل روستا به شهر نقش پررنگ‌تری نسبت به سایر عوامل دارا می‌باشد دلیل بالاتر بودن تأثیر عوامل اقتصادی به سایر عوامل در این اقلیم را می‌توان این‌گونه بیان نمود که به دلیل نامناسب بودن شرایط اقلیمی و عدم جذب جمعیت در این اقلیم مدیران و برنامه‌ریزان با اتخاذ تدابیری همچون در اختیار قرار دادن تسهیلات و خدمات اقتصادی بیشتر برای ساکنین این منطقه و ایجاد فرصت‌های شغلی مانند صنایع دستی و غیره زمینه جذب جمعیت و به دنبال آن شرایط تبدیل روستا به شهر را فراهم آورده که مساعد بودن عوامل زیرساختی- نهادی در این زمینه نقش مهمی را ایفا نموده است.



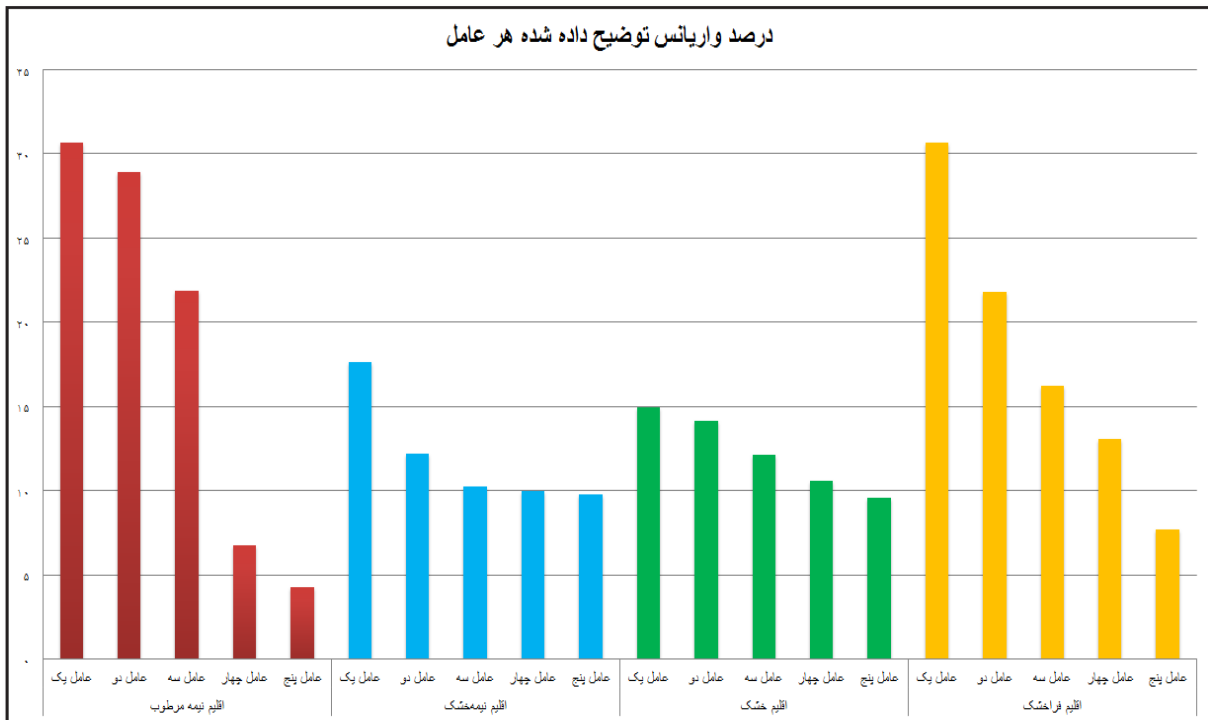
شکل ۴-تاثیر عوامل در اقلیم خشک

اقلیم فراخشک: در این اقلیم عوامل خدمات خصوصی و زیرساختی- نهادی مهم‌ترین نقش را نسبت به سایر عوامل در تبدیل روستا به شهر داشته است که می‌توان گفت در این اقلیم به دلیل نامناسب بودن شرایط اقتصادی با ایجاد شرایط خدمات خصوصی بهتر به همراه عوامل مناسب زیرساختی- نهادی شرایط را برای تبدیل روستا به شهر فراهم می‌آورند. در مرحله بعد عامل خدمات اقتصادی قرار دارد که تأثیر متوسطی در تبدیل روستا به شهر در این اقلیم دارا می‌باشد که این بیشتر به دلیل پایین تر بودن شرایط مساعد طبیعی این اقلیم می‌باشد.



شکل ۵-تاثیر عوامل در اقلیم فراخشک

«به نظر می‌رسد میزان عوامل مؤثر در تبدیل شدن روستا به شهر در پهنه‌های اقلیمی استان خوزستان متفاوت است.» نتایج بدست آمده از داده‌های جمع‌آوری شده و تجزیه و تحلیل آن‌ها با بکارگیری روش تحلیل عاملی نشان داد که در محدوده مورد مطالعه به دلیل تنوع اقلیمی و جغرافیایی، میزان عوامل مؤثر در تبدیل روستا به شهر علاوه بر تشابه در برخی شاخص‌ها، متفاوت بوده و هر کدام از این عوامل به میزان متفاوتی در تبدیل روستا به شهر در اقالیم مختلف دخیل بوده‌اند؛ به طوری که بر اساس نتایج روش تحلیل عاملی، عامل زیرساختی- نهادی در منطقه مورد مطالعه در هر چهار اقلیم بیشترین تأثیر را در تبدیل روستا به شهر داشته است. عامل اقتصادی بجز در اقلیم‌های نیمه خشک و فرا خشک که به ترتیب دارای اثر ضعیف و متوسط بوده در دو اقلیم نیمه مرطوب و خشک بیشترین تأثیر را ایفا نموده است. عامل خدمات آموزشی- فرهنگی جز در اقلیم نیمه خشک که دارای اثر متوسطی بوده، در سایر اقلیم‌ها کمترین اثر را در زمینه تبدیل روستا به شهر ایفا نموده است. عامل خدمات خصوصی نیز در دو اقلیم نیمه مرطوب و خشک اثر متوسط داشته است؛ این در حالیست که در دو اقلیم دیگر یعنی نیمه خشک و فراخشک این عامل بیشترین اثر را داشته است.



شکل ۶-تأثیر عوامل در اقلیم های مختلف

در زمینه عامل خدمات اجتماعی نیز این عامل در اقلیم نیمه مرطوب بعنوان عامل چهارم و در اقلیم خشک بعنوان عامل پنجم شناسایی شد که اثرات کمی در تبدیل روستا به شهر داشته است. شاخص های این عامل در دو اقلیم نیمه خشک و فراخشک در ترکیب با شاخص های سایر عوامل در تبدیل روستا به شهر تأثیرگذار بوده اند. همان طور که مشخص است نتایج بالا نشان می دهد که به جز عامل زیرساختی-نهادی که در هر چهار پهنه اقلیمی به عنوان عاملی که بیشترین تأثیر را در تبدیل روستا به شهر داشته و نیز به عنوان مهم ترین عامل در تبدیل روستا شناسایی شده است، چهار عامل دیگر (اقتصادی، خدمات آموزشی- فرهنگی، خدمات خصوصی، خدمات اجتماعی) در پهنه های اقلیمی متفاوت، تأثیرات متفاوتی داشته و میزان اثرگذاری آن ها نیز با توجه به بار عاملی شاخص ها متفاوت بوده است. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر تفاوت در میزان عوامل مؤثر در تبدیل روستا به شهر در پهنه های اقلیمی متفاوت در استان خوزستان تأیید می شود.

نتیجه گیری

نتایج روش تحلیل عاملی نشان داد که عامل زیرساختی- نهادی در منطقه مورد مطالعه در هر چهار اقلیم بیشترین تأثیر را در تبدیل روستا به شهر داشته است. عامل اقتصادی بجز در اقلیم های نیمه خشک و فرا خشک که به ترتیب دارای اثر ضعیف و متوسط بوده در دو اقلیم نیمه مرطوب و خشک بیشترین تأثیر را ایفا نموده است. عامل خدمات آموزشی- فرهنگی جز در اقلیم نیمه خشک که دارای اثر متوسطی بوده، در سایر اقلیم ها کمترین اثر را در زمینه تبدیل روستا به شهر ایفا نموده است. عامل خدمات خصوصی نیز در دو اقلیم نیمه مرطوب و خشک اثر متوسط داشته است؛ این در حالیست که در دو اقلیم دیگر یعنی نیمه خشک و فراخشک این عامل بیشترین اثر را داشته است. در زمینه عامل خدمات اجتماعی نیز این عامل در اقلیم نیمه مرطوب بعنوان عامل چهارم و در اقلیم خشک بعنوان عامل پنجم شناسایی شد که اثرات کمی در تبدیل روستا به شهر داشته است. شاخص های این عامل در دو اقلیم نیمه خشک و فراخشک در ترکیب با شاخص های سایر عوامل در تبدیل روستا به شهر تأثیرگذار بوده اند. نتیجه مقایسه درصد واریانس توضیح داده شده هر عامل در اقلیم های مختلف نیز نشان داد بیشترین درصد واریانس مربوط به عامل یک با ۳۰ درصد در اقلیم های نیمه مرطوب و فراخشک و همچنین مربوط به عامل دو در اقلیم نیمه مرطوب با نزدیک ۲۹ درصد، عامل سه در اقلیم نیمه مرطوب با ۲۱/۸۷ درصد، عامل دو در اقلیم فراخشک با ۲۱/۸۲ درصد است. این نتیجه بدان معناست که عوامل نامبرده تأثیرگذارترین عوامل در تبدیل روستا به شهر بوده اند. نتیجه این مقایسه همچنین نشان داد عوامل پنج در اقلیم نیمه مرطوب با ۴/۲۵ درصد واریانس، چهار در اقلیم نیمه مرطوب با ۶/۷۴ درصد واریانس، پنج در اقلیم فراخشک با ۷/۷۱ درصد واریانس

کمترین میزان درصد واریانس را توضیح می دهند که نشان دهنده تأثیرگذاری کم این عوامل در تبدیل روستا به شهر است. در مورد روستاهای تبدیل شده به شهر علاوه بر سیاست های حمایتی دولت، برنامه ریزی و نیز تعیین کارکرد متناسب با شرایط جغرافیایی و اقلیمی آن ها می تواند ضامن پایداری آن ها در ابعاد مختلف باشد. اصولاً در توسعه این شهرها باید به تقویت پیوندهای روستا-شهری، بهبود توسعه کشاورزی، افزایش درآمد روستاییان حوزه نفوذ این شهرها و برانگیختن فرصت های شغلی غیرزراعی در این سکونتگاه ها در نظر گرفته شود، زیرا توسعه فعالیت های کشاورزی و غیرکشاورزی دارای تأثیرات متقابل هستند. تبدیل روستا به شهر دارای جنبه های مثبتی همچون افزایش و بهبود کارکرد های خدماتی و ایجاد برخی فرصت های شغلی بویژه در بخش های اداری و خدماتی بوده و در تثبیت جمعیت در مناطق روستایی و جلوگیری از مهاجرت های روستا-شهری تا حدودی مؤثر بوده است ضمن اینکه دارای برخی جنبه های منفی نظیر از بین رفتن اراضی کشاورزی اطراف این شهرها و رواج سوداگرایی زمین و خارج شدن زمین های کشاورزی از چرخه تولید به طمع فروش زمین به قیمت بالاتر و ایجاد دوگانگی و بی هویتی در جامعه روستایی و وضعیت نه شهری و نه روستایی بودن بوده است.

بدین ترتیب پیشنهادات کلی در حوزه مطالعاتی به شرح ذیل هستند: زمینه سازی برای رسیدن به یک توزیع متعادل جمعیت در سطح منطقه؛ فراهم کردن ارتباطات عملکردی بین مناطق روستایی و شهری؛ بهبود نظام سلسله مراتب سکونتگاهی، کاهش مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ و تمرکززدایی. ضروری است ملاک و معیارهایی منطقی و علمی برای تبدیل روستا به شهر در راستای اهداف و چارچوب راهبرد توسعه شهرهای کوچک تعیین گردد تا ضمن پویایی و رونق شهرهای کوچک خدمات رسانی به روستاهای حوزه نفوذ گسترش یابد. برنامه ریزی جهت جلب مشارکت و سرمایه گذاری مردمی بخصوص در فعالیت های تولیدی و خدماتی مستلزم تقویت بنیه زیربنایی و اقتصادی شهرهای کوچک و روستاهای بزرگ (روستا شهرها)

پیشنهادهای مختص محدوده مورد مطالعه

اقلیم نیمه مرطوب: با توجه به شرایط مساعد اقلیمی در این منطقه برای توسعه فعالیت های کشاورزی، مطالعه و تهیه برنامه آمایش آب، خاک و فعالیت های کشاورزی می تواند از پیش شرط های توسعه فعالیت های کشاورزی، حفظ جمعیت در روستاها و جلوگیری از تخلیه سکونتگاه های روستایی و یا تبدیل آن ها به شهر به شمار می رود. ایجاد زیرساخت های مناسب در مناطق روستایی این اقلیم؛ به عبارت دیگر کاهش تفاوت در توسعه زیرساخت های این اقلیم بین مناطق شهری و روستایی توسط بخش دولتی و یا دخیل کردن بخش خصوصی از طریق تسهیل سرمایه گذاری در زمینه توسعه زیرساخت ها

اقلیم نیمه خشک: تقویت شاخص های خدمات خصوصی و ایجاد زیرساخت های مناسب در مناطق روستایی باید در رأس برنامه های توسعه ای این اقلیم قرار بگیرد تا مناطق روستایی نیز به موازات مناطق شهری از این شاخص ها بهره مند گردند. تأثیرگذاری کم عامل اقتصادی در تبدیل روستا به شهر در این اقلیم، ضرورت تقویت و توجه بنیه اقتصادی در شهر و روستا مطرح می سازد. بنظر می رسد تقویت همزمان عامل اقتصاد و خدمات در این اقلیم تأثیر زیادی در پایداری جمعیت در مناطق شهری و روستایی خواهد داشت.

اقلیم خشک: با توجه به نتایج پژوهش و آشکار شدن تأثیر زیاد عوامل اقتصادی و زیرساختی- نهادی در تبدیل روستا به شهر در این اقلیم، تقویت بخش اقتصادی و ایجاد فرصت های اشتغال از طریق صنایع دستی یا متناسب با پتانسیل های موجود در منطقه می تواند در ماندگاری جمعیت در روستاها و ایجاد شهرهایی با کارکرد اقتصاد روستایی تأثیر بسزایی داشته باشد. تأثیرگذاری پایین عامل خدمات آموزشی- فرهنگی در این اقلیم می تواند نشانه نوعی یکنواختی در کیفیت این شاخص ها در کل سکونتگاه های این اقلیم باشد. لذا با انجام بررسی های دقیقتر اگر مشخص شود که کیفیت این شاخص ها نامناسب و یا پایین است، در جهت بهبود و ارتقاء آن ها برنامه های عملیاتی مختلفی به مرحله اجرا گذاشته شود.

اقلیم فراخشک: با توجه به نتایج پژوهش مبنی بر تأثیرگذاری زیاد خدمات خصوصی و زیرساختی- نهادی در تبدیل روستا به شهر شرایط نامساعد اقلیمی و جغرافیایی، پیشنهاد می شود در کنار شاخص های خدمات به شاخص های توسعه اقتصادی از طریق پتانسیل های موجود منطقه توجه بیشتری معطوف گردد. پایین بودن تأثیرگذاری شاخص های عامل خدمات آموزشی- فرهنگی در تبدیل روستا به شهر می تواند یکی از نشانه های پایین بودن کیفیت شاخص های این عامل در اقلیم فراخشک باشد لذا توصیه می شود در هر دو مناطق شهری و روستایی نسبت به ارتقاء کیفیت امکانات و خدمات آموزشی- فرهنگی برنامه های عملیاتی به مرحله اجرا گذاشته شود.

فهرست منابع

- ازکیا، م. (۱۳۹۲). مقدمه ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی، تهران: نشر اطلاعات.
- پاپلی یزدی م. و همکاران. (۱۳۸۹). نظریه های شهر و پیرامون، تهران: انتشارات سمت، چاپ پنجم.

- تقوایی، م. (۱۳۸۵). تحلیل و طبقه بندی مناطق روستایی استان های کشور بر اساس شاخص های توسعه انسانی، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۲.
- رحمانی فضلی، ع. و پریشان، م. (۱۳۸۸). تحولات ساختاری-کارکردی پس از تبدیل نقاط روستایی به شهر (مورد: شهر کانی سور-شهرستان بانه)، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال نهم، شماره ۱۲.
- رضوانی، م. (۱۳۷۵). ارزیابی سیاست سکونتگاه های مرکزی در برنامه ریزی و توسعه نواحی روستایی. پژوهش های جغرافیایی ۳۵، ۹۵-۱۰۸.
- سعیدی، ع. (۱۳۸۸). سطح بندی روستاهای کشور، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، معاونت عمران روستایی، انتشارات شهیدی.
- شکویی، ح. (۱۳۷۳). دیدگاه های نو در جغرافیای شهری، تهران: انتشارات سمت، جلد اول.
- شیرازی، م.ر. (۱۳۷۸). نقش کارکردی شهرهای کوچک در توسعه روستایی، مورد: حمیدیه در استان خوزستان (پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی). دانشگاه شهیدبهشتی. تهران.
- شیخی، م.ت. (۱۳۸۰). جامعه شناسی شهری، تهران: انتشارات نشر نورگیتی، جلد اول.
- فنی، ز. (۱۳۸۲). شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه ای، تهران، انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور.
- محمدپورلیما، ن.، نوری کرمانی، ع.، عالیزاد میناآباد، ف. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اقتصادی و کالبدی در ایجاد تعارضات حاصل از الحاق روستا به شهر (نمونه موردی شهر اسلامشهر)، نشریه جغرافیا و مطالعات محیطی، دوره ۱، شماره ۴، صص ۷۸-۴۰.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان خوزستان، تهران: انتشارات مرکز آمار ایران.
- مهندسین مشاور هامون پاد. (۱۳۷۲). طرح طبقه بندی روستاها و تعیین خطوط استراتژی توسعه عمران روستایی.
- معاونت برنامه ریزی استانداری خوزستان. (۱۳۹۰). سالنامه آماری استان خوزستان ۱۳۹۰.
- Aggrey & Daniel Maina, (2010). Community and Social Responses to Land use Transformations in the Nairobi Rural-urban Fringe, Kenya, Field Actions Science Reports [Online], Special Issue 1.
- Barry, D., Clayton, D., Olivier, D. (2000). Rural Planning in Developing Countries. London: Earth scan Publications.
- Bromley, R. (1984). Market Center Analysis in the Urban Function in Rural Development. In H.D. Kammier and P.J. Swan (eds). Equity with Growth? Bangkok: Asian Institute of Technology.
- Freeman, Donald B. & Worcliff, Clen B09 (1985). Rural Enterprise in Kenya. Kenya Univerdity Press.
- Pacione, Michael (1985). Rural Geogrphy, London, Reprinted.
- Peng, Niu Xiang, Wang Bing & Zheng, Yunlong, (2015). Land use Changes and its Driving Forces in Hilly Ecological Restoration Area based on GIS and RS of Northern China, Scientific Reports 5, Article number: 11038.
- Zhihui Li, Xiangzheng Deng, Fang Yin & Cuiyuan Yang, (2015) Analysis of Climate and Land Use Changes Impacts on Land Degradation in the North China Plain, Advances in Meteorology, Article ID 976370, 11 pages.